



ایران در دوران معاصر

اندرز والپول: ایرانیان نباید نادرشاه دیگری به وجود آورند

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۲ شهریور ۱۳۹۲ ۳۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

اندرز والپول رابرت والپول Robert Walpole نخست وزیر انگلستان از ۱۷۲۱ تا ۱۷۴۲، در اپریل ۱۷۳۹ و ۱۵ روز پس از ورود نادرشاه به شهر دهلی، طرح بسط نفوذ و استقرار در سراسر هندوستان را برای مدتی نامشخص (که دهها سال طول کشید) به تعویق انداخت. وی (متولد ۱۶۷۶ و متوفی در ۱۷۴۵) در دهه دوم نخست وزیری خود اجرای دو طرح گسترش خارجی (سلطه) را مد نظر داشت؛ استقرار در سراسر هندوستان و حذف رقیبان اروپایی از جمله پرتغال و هلند از آن شبه قاره و کسب برتری بر اسپانیا در آمریکای لاتین. با افتادن هندوستان به دست شاه ایرا



اندرز والپول

رابرت والپول Robert Walpole نخست وزیر انگلستان از 1721 تا 1742، در اپریل 1739 و 15 روز پس از ورود نادرشاه به شهر دهلی، طرح بسط نفوذ و استقرار در سراسر هندوستان را برای مدتی نامشخص (که دهها سال طول کشید) به تعویق انداخت.

وی (متولد 1676 و متوفی در 1745) در دهه دوم نخست وزیری خود اجرای دو طرح گسترش خارجی (سلطه) را مدّ نظر داشت؛ استقرار در سراسر هندوستان و حذف رقیبان اروپایی از جمله پرتغال و هلند از آن شبه قاره و کسب برتری بر اسپانیا در آمریکای لاتین.

با افتادن هندوستان به دست شاه ایران در زمستان 1739 و شکست انگلستان در جنگ کارتاژنا Cartagena (شمال غربی کلمبیای امروز و نزدیک به پاناما در کارائیب که این مناطق به اضافه ونزوئلا در آن زمان گرانادای اسپانیا نامیده می شدند. نام کارتاژنا از کارتاژ مدیترانه و امروزه خرابه های آن واقع در تونس گرفته شده است)، اجرای طرح نخست به تعویق افتاد و طرح دوم شکست کامل خورد.

در جنگ دریایی کارتاژنا، انگلستان 50 کشتی جنگی و 18 هزار تفنگدار از دست داد و اسپانیا تا زمان شکست در جنگ با ایالات متحده بر سر کوبا در اواخر سده نوزدهم برتری خود را در آمریکا لاتین حفظ کرد. در جریان جنگ کارتاژنا، اسپانیایی ها از افراد یک قبیله از بومیان منطقه که امروزه عمدتاً در ونزوئلا و کلمبیا زندگی می کنند استفاده کردند، به آنان گفته بودند که اگر انگلیسی ها پیروز شوند با بومیان همان خواهند کرد که با بومیان آمریکای شمالی کردند (انهدام) و بومیان کارائیب در زیر پرچم اسپانیا تفنگداران انگلیسی را به زانو درآوردند.

اندرز سیاسی والپول پس از شکست ارتش امپراتور مغول تبار هندوستان در دشت گرنال از ارتش ایران و تسلیم امپراتور و ورود نادر به دهلی این بوده است که نباید امکان داده شود که ایرانی تبارها (از فرات تا سند و از سیحون تا قفقاز شمالی) گردهم آیند و ژنرال نادر دیگری به وجود آورند. همین اندرز که موردی از سیاست خارجی دولت لندن شده است سبب شد که انگلیسی ها در سده بعد افغانستان و بلوچستان شرقی را از ایران جدا کنند و مناطق جنوبی و غربی خلیج فارس را از نفوذ دولت ایران بیرون آورند و دست روس ها را برای تصرف قفقاز و منطقه فرارود باز بگذارند و شاه قاجاریه را وادار به دادن سلیمانیه عراق به عثمانی و گذشتن از دعاوی ایران بر بصره و شرق دجله کنند و والپول بیش از هر نخست وزیر دیگر بر انگلستان حکومت کرد.

نادر پس از اطمینان از ادامه از وفاداری دولت هند، چندی پس از ورود به دهلی و پس از اینکه شنید برادرش ابراهیم خان در داغستان (جنوب روسیه) کشته شده است، در همان سال 1739 از دهلی عازم داغستان (قفقاز شمالی) شد تا لزگی ها که برادر او - ابراهیم خان - فرماندار قفقاز شمالی را کشته بودند گوشمالی دهد. وی در همین زمان، چند گردنکش را در بخارا و سمرقند از میان بُرد.

مولف (نوشیروان کیهانی زاده)

لینک تارنگار

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «اندرز والپول: ایرانیان نباید نادرشاه دیگری به وجود آورند»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1352/pdf/د-نادرشاه-ایرانیان-نباید-اندروز-والپول.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵